

از وسوسه‌های بیمورد در ازدواج پرهیزید

اسلام در عین حالی که برای انتخاب هوس مناسب و شایسته که اساس خوشبختی خانواده‌ها بشمار می‌رود اهمیت خاصی قائل شده، واز ازدواج‌هایی که بر پایه هوس های زودگذر و عشق‌های کاذب قرار گرفته جلوگیری کرده است، از وسوسه‌های بیمورد و سخت‌گیری بی‌جا در پاره از موارد از قبیل اینکه دختر حتما باید از خانواده تر و تمند بوده و قریه زیبا و جالب و انعام هوس‌انگیز و مسمای دل‌ریا و جذاب داشته و در عراب خاص تمسبی و... باشد چنانکه مطالعه صفحات پاره‌ای از مشروبات بسکین حکایت از اینگونه افکار آلوده هوس‌های کاذب می‌نماید، منع می‌کند و اقدام با ازدواج را تنها بر محور اصل ایمان جوانان دختر و پسر و پاکدامنی و نجابت خانوادگی قرار می‌دهد، چنانکه هشتمین حکم از امام ششم چنین نقل می‌کند: «اگر مردی با زنی فقط بجهت زیبایی و جمال او و ثروت و کمال الهی ازدواج کند و جهات دینی و اخلاقی خانواده‌ها را در نظر نگیرد از این ازدواج نفی می‌برد و اما اگر در تشکیل خانواده بیشتر جهات دینی و تربیت‌های خانوادگی دختر مورد نظر باشد، خداوند او را از زیبایی دختر و مال و ثروتش بی‌همد می‌سازد» (۱)

خواهندگان گرامی از این گفتار امام روح‌باید تصور کنند که اسلام مسأله زیبایی و سایر مزایای جسمی و ثروت را بکلی در نظر نگرفته و مسأله فطری دنیاپسندی را انشاء کرده و یا با آن بسیار بی‌خاشته است (چنانکه اجادیش از پیشوایان دینی وارد است که برای ازدواج از رویان اولیه خانواده نگریسته‌اند) بلکه منظور اینست که پاکدامنی و عفت و ایمان و خلاصه توجه به جهات معنوی در نظر اسلام بیشتر اهمیت دارد تا جهات مادی و مزایای جسمی و باید توجه کنید که خانواده در مرحله اول بجنبه‌های اخلاقی و روحی توجه داشت بطوریکه اگر امر بین جهات معنوی و مزایای جسمی و مادی مرد باشد حق تقدم با جهات معنوی بوده، بر دبا آنها است.

بسیار موجب تأسف است با وجود این دستورات مترقی سعادت آمیز اسلام پاره‌ای خانواده‌های مسلمان دختر و پسر بدون توجه با اصول مقرر اسلام در مسأله ازدواج بقدری در انتخاب دختر برای همسری و پسر برای دامادی قیودی مورد ذکر می‌کنند و فقط دنبال جوانین موهوم می‌گردند و بدین ترتیب ملاحظات بی‌اساسی را پیش می‌کنند که نهایتاً منجر بشکست خانواده‌ها می‌گردد بلکه رکود فکری از ازدواج در مفر دختران و پسران پندامی شود.

اسلام هیچ‌یک از روش‌های نامرست را امضاء نکرده و در موارد مقتضی از آنها جاوگیری نموده است، چنانکه در روزی علی بن اسباط از اصحاب امام پنجم نامه‌ای بان حضرت نوشت که برای دختران خود جوانان مناسب و هم پایه پیدا نمی‌کنم چه کنیم؟ حضرت در جواب وی نوشت: منتظر پیدا شدن جوانان دلفرواه و مورد پسند از هر جهت مباش زیرا رسول خدا فرمود: اگر برای ازدواج دختران شما جوانانی پیدا شدند که جهات اخلاقی و دینی آنها را می‌پسندید، دختران خود را شوهر دهید و در غیر این صورت از فتنه و طغیان و فساد فوق‌العاده دختران و سران خود این‌نباشید» (۱)

در مقابل، برخی از خانواده‌ها درست بکن خانوادگی سخت‌گیر و مشکل‌پسند، مسأله مهم ازدواج را سرسری می‌گیرند و در این امر احوال و مباحثه می‌کنند و اقبال و افکار و جهات اخلاقی خانواده طرف ازدواج را هرگز رسیدگی نکرده، تصانق و اقبال و سخت و آگذار می‌کنند. اینگونه خانواده‌ها مسلماً مسئول بسیاری از بدبختیها و اختلافات خانوادگی و در نتیجه انتحارها و خودکشی‌ها و ناراحتیهای ناشی از این بر میآیند. اینگونه خانواده‌ها بوند و در قبال فرزندان خود تکلیفات از لحاظ مصالح جامعه نیز مرتکب اشتباهات ناخوشدینی می‌شوند.

مثلاً اسلام یکسایک به خلق بوند و تربیت‌های اخلاقی نیکوگوش نداشته و پسران عوار باشد، احترام و ارزش قائل نشده و ازدواج با چنین افراد را برای دختران بایمان و پاکدامن صالح نمی‌داند زیرا چنین ازدواج‌ها هرگز سعادت خانوادگی را تأمین نمی‌کند.

چنانکه بر روی خدمت امام رسالت (ع) عرض کرد: «جوانی از وابستگی من به خواستگاری محرم آمده ولی بدخوب بوده و صفات پسندیده‌ای ندارد چه کنیم؟ حضرت در پاسخ او گفت دختر خود را بجان بدخلق شوهر ندهی» (۲)

امام صادق فرمود: «دختر خود را بشراب‌خوار ندهید ولو اینکه برایشه تفریحی به انجام گرفته باشد» (۳) و در بعضی از روایات علت آن بیوند زناشویی شریک‌خوار را اینطور ذکر می‌کنند: کسی که دختر خود را بشراب‌خوار بدهد بدختر خود حساب کرده نسل او را فاسد کرده است» (۴)

حال اگر پدر و مادری این دستورات را زیر پا گذارند، دختر معصوم پاکدامن خود را بجان بدختر و بشراب‌خوار بدهند و دست خود خانواده‌های نامناسب و آلوده بوجود آورند آنها در روز ناراحتیها و بدبختیها در همان اینگونه خانواده‌ها مسئول جزایران و سادون می‌توان پیدا کرد؟

نتیجه اینگونه زناشویی این‌میشود که علاوه بر اینکه شرفی و حرارت زندگی

۱- وسائل الشریعه باب ۲۶ حدیث ۱
 ۲- من لایحضره الفقیه ص ۳۱۷ حدیث ۵۵
 ۳- وسائل الشریعه باب ۲۸
 ۴- وسائل الشریعه باب ۲۸

خانوادگی را منهدم بنا می‌سازد، چه بسا يك نوع حس بدبینی نسبت بدخترها در مغز پدرها و مادرها بوجود می‌آورد و باین ترتیب دخترها را سبب اصلی این بدبختیها می‌انگارند در صورتیکه سبب اصلی این بدبختیها خود آنان می‌باشند.

در اینجا تذکر این نکته لازمست که فرقه‌های مختلف اهل تسنن برای جلوگیری از اختلافات خانوادگی شرایط مختلفی ذکر کرده‌اند از قبیل اینکه باید خانواده زن و مرد از لحاظ شهرت و احترام مساوی بوند و مرد فاقد نقص جسمانی بوند تفاوت فاحش از لحاظ شغل نداشته باشند و ذکر این شرایط در کتب فقه عامه این فکر را تقویت می‌کند که سوسه‌های بی‌مورد و سخت‌گیری بی‌جای ریشه مذهبی دارد، و بطور کلی در این موضوع شش نظریه از فقهاء اهل تسنن اظهار شده است: تناسب در نسب، اسلام، آزاد بودن، قدرت مالی مرد برای اداره مخارج زن و پرداخت مهریه وی و تناسب از لحاظ تربیتی و تقوی و شغل، ولی مطالعه در قوانین حقوقی شیعه بخوبی ثابت می‌کند که مکتب حقوقی شیعه با واقع‌بینی خاصی از میسر این شرایط شش‌گانه که فقهاء اهل تسنن در انتخاب همسر مناسب معتبر دانسته‌اند، برخی از آنها از قبیل: «اصل لزوم مسلمان بودن دختر و پسر» «لزوم داشتن قدرت مالی مرد برای اداره مخارج زن و پرداخت مهریه وی را تصدیق کرده و طی دستوراتی آنها را لازم دانسته، و فقهاء نیز در کتب فقه از آنها تفصیل سخن رانده‌اند، چنانکه در بعضی از روایات بطور اجمال ذکر شده: «از میان دختران کسانی که با شما هم پایه و مناسب هستند برای ازدواج انتخاب کنید» (۱)

و در برخی از روایات امام ششم توضیح بیشتری داده می‌فرماید: الکفوان نکون عصما و عابدینار» (۲) یعنی «هنگامی دختر و پسر از لحاظ ازدواج متناسب می‌باشند که مرد عقیق بوند و قدرت مالی برای اداره مخارج و پرداخت مهریه زن داشته باشد».

فقه شیعه هرگز اختلاف در حسب و نسب و احترام و شهرت و مزایای جسمانی و ثروتی رنگ و نوااقص جسمی را مانع از بیوند زناشویی سعادت‌مندانه نمی‌داند.

چنانکه از امام ششم منقول است که امام سجاد (ع) با کنیز امام محتبی (ع) ازدواج کرد. این خیر بگوش عبدالملک مروان رسید، بلافاصله نامه اعتراض آمیزی بانحضرت نوشت که شنیده شما با کنیزی ازدواج کردید، آنحضرت در پاسخ وی نوشت: خداوند با قبول اسلام تمام پستی‌های آنان را زائل نمود و بآنان کرامت بخشید دیگر علامت و سرزنش ناشی از پستی زمان جاهلت را ندارند چنانکه رسول خدا (ص) نیز وسیله ازدواج ثلثان مسلمان را فراهم می‌آورد و کنیزان را همسری خود انتخاب می‌نمود» (۳)

۱- الوسائل باب ۱۳ حدیث ۱
 ۲- وسائل باب ۲۲
 ۳- وسائل باب ۲۷